خبرها

دوردیف، تمرین‌دهنده استقلال

شرق: بایرام دوردیف مربی ترکمنی است که درباره‌اش می گویند فوتبال را خیلی خوب می فهمد. او که دو فصل گذشته در صنعت نفت مربیگری کرده، حالا قرار است به عنوان مربی تمرین‌دهنده استقلال به کار گرفته شود. اما اینکه او حاضر می شود زیر نظر صمد مرفاوی کار کند هم خودش سئوالی را پدید می آورد: آیا او واقعاً مربی بزرگی است؟

دنی اولروم آخرین گزینه آبی

شرق: در حالی که هر روز خبر جدیدی درباره جذب یک مهاجم خارجی برای استقلال به گوش می رسد، دیروز خبر رسید آخرین گزینه مورد نظر دنی اولروم است که فصل قبل هم باشگاه سعی داشت او را آبی پوش کند. بعد از قرارداد آلوز با مس فعلاً که شانس دنی بیشتر از بقیه است.

آقاجانیان در اردن

شرق: مارکار آقاجانیان جاسوس نوید داده شده امیر قلعه‌نویی است که برای ورانداز بازی سوریه به امان می رود؛ مسابقه سوریه با اردن که می تواند اطلاعات زیادی درباره اولین حریف ایران در مقدماتی جام ملت های آسیا داشته باشد. منتظر آنالیز او باشد.

پرسپولیس سه‌شنبه می آید

فوتبال ایران: پس از خبرهای زیادی که در مورد تمدید حضور پرسپولیس در اترش مطرح شد، طبق آخرین هماهنگی های به عمل آمده، پرسپولیس سه‌شنبه به ایران بازمی گردد. شاگردان آری هان راس ساعت ۸ صبح از طریق وین راهی تهران می شوند تا پس از یک یا دو روز استراحت مجدداً آماده حضور در دور جدید تمرینات شوند.

تساوی هانوفر برابر ناپل

ایسنا: هانوفر که این روزها برای برپایی اردوی آمادگی در اتریش به سر می برد، در دیدار تدارکاتی برابر ناپل ایتالیا به تساوی دست یافت. این دیدار که در حضور ۸۰۰ تماشاگر حاضر در ورزشگاه برگزار شد، هانوفر با تساوی سه بر سه برابر تیم سال های دور دیگو مارادونا متوقف شد. وحید هاشمیان، هوستی و برداریچ گلزنان هانوفر در این دیدار بودند.

توافق میرزاپور با استقلال

ایرنا: منصور قمر قائم مقام و سخنگوی باشگاه فرهنگی، ورزشی استقلال اهواز گفت: با «ابراهیم میرزاپور» برای پیوستن به این باشگاه به توافق مالی رسیده‌ایم و این دروازه‌بان ملی پوش برای دو فصل در تیم استقلال اهواز بازی خواهد کرد.

یادبود

اکبرآقا رفت، اصغرآقا ماند

علی محسنی: ناحق نگفته‌ایم اگر ادعا کنیم «فوتبال تهران یتیم شد!» هر که پای ثابت تماشای دیدارهای فوتبال در هر سطحی در تهران بود علی الخصوص ورزشگاه های آزادی، شیرودی و حتی «تختی» که زمانی به قلب فوتبال پایتخت بدل شده بود، او را به خاطر می آورد. پیرمردی که خستگی نمی شناخت، کنار زمین را به خوبی مدیریت می کرد به همراه «اصغر میرزاعراقی» که شباهت ظاهری بی نظیری به او داشت و تنها کمی کوتاه‌تر به نظر می رسید. مسابقات فوتبال تهران از نوجوانان گرفته تا لیگ برتر بزرگسالان که سال ها است حساس‌تر شده و یک بازی در میان حواشی بسیاری را در کنار زمین تجربه می کرد، یکی مثل او را نیاز داشت که ریش سفیدی کند و غائله را بخواباند و عجیب آنکه همه حرف او و «اصغرآقا» را قبول داشتند... به یاد آن اتاق با شکل و شمایل ۵۰سال پیش با یکی، دو عکس خاطره‌انگیز از فوتبال های ۳۰ سال پیش و آدم هایی که جمع شان نیز مربوط به سال ها پیش می نمود، انتهای راهرویی که هیات کاراته استان تهران را نیز میزبان بود و در طبقه فوقانی اش «فدراسیون کشتی» سکونت داشت. پشت یکی از سه، چهار میز کهنه می نشست و آس هیات فوتبال تهران بود؛ تصویرش را هنگام ثبت قراردادهای جنجالی می دیدید که به ستاره های فوتبالمان نشان می داد کجا را امضا کنند اما منحصر به آنها نبود. همه را راهنمایی می کرد حتی بازیکنان گمنام شهرستانی را که با سودای یافتن ستاره‌ای در آسمان فوتبال تهران به آنجا گام می گذاشتند... به یاد آن خودروی تاکسی که او را از ورزشگاه آزادی در غرب تا تختی در شرق می رساند. به یاد «مرتضی» فرزند دوست داشتنی اش که پشت فرمان می نشست. آخرین تصویری که از او به یادم مانده، پشت فرمان اتومبیل صفرکیلومتر به همراه پدر که در کنارش می نشست. گویا دیگر آن تاکسی را نداشت که «مسافر» اصلی اش هم خود او بود. مرتضی همواره در محوطه ورزشگاه شیرودی بود و برای من که دوران کودکی و نوجوانی را در زمین شماره ۲ فوتبال آن مجموعه سپری کردم چهره‌ای آشنا بود. بارها می شد که با چهره کودکانه که به سنش نمی خورد، جای خالی دروازه‌بان را برای فوتبال دستگرمی مان پر می کرد. الان چه حسی دارد. آیا باز هم صبح خود را در همان مجموعه شب می کند؟... از حالا باید دست مریزاد بگوییم به اصغرآقای میرزاعراقی که تنها شده و حال مسابقات بزرگ تهران را او برگزار خواهد کرد. برای من که سال ها، مربی‌ام بوده دیدنش کنار زمین ها بسیار خاطره‌انگیز است که یک لحظه آرام و قرار ندارد و تلاش خستگی ناپذیری دارد تا مسابقات از روال خود خارج نشود. در این فوتبال پرهیاهو، او تنها شده؛ در فوتبال تهرانی که همانند او و اکبرآقا را دیگر نتوانسته رو کند.

آن هم برای فوتبال ما که ریش سفیدها را حالا حالاها نیاز دارد. بار بر روی دوش اصغرآقا سنگین است. خدایا به او قوت بده!

عکس: فرهاد کاوه شرق

درباره مردی که احتمالاً دوست دارد همیشه شماره یک باشد

هر وقت خواستی برو

صدرا مهرابی

سرش پایین بود و بی‌آنکه به شعارها گوش کند سعی داشت نشان دهد که همه چیز عادی است. قیافه‌اش شکسته‌تر از همیشه به نظر می رسید. حتی درهم رفته‌تر از روزی که در استادیوم آزادی در لابه‌لای شعارها و هو کردن‌ها با چهار گل خورده از زمین بیرون رفت و دلداری امیر قلعه‌نویی پس از یک نود دقیقه جهنمی هم کارگر نیفتاد. پیش بینی ها همانطوری که تماشاگران اولین روز تمرین تیم ملی در کمپ عقیده داشتند، زودتر از حد تصور به واقعیت پیوست.

...

خبر زود بین روزنامه ها پیچید. «ابراهیم میرزاپور از تیم ملی قهر کرد.» و اینگونه بود که وقتی رفقای خبرنگار زنگ می زدند تا اطلاعات بیشتری دست شان بیاید، می شنیدند که «به من بی توجهی می شود. اگر از اول نمی خواستند پس چرا مرا دعوت کردند. من دیگر در این تیم نمی مانم.» صحبت ها تند بود و البته واکنشی طبیعی به آنچه که اساساً از دل خود کادر فنی تیم ملی می جوشید. اگر پیشتر و در اوج انتقادات از گلر شماره یک تیم ملی روزنامه ها و استادیوم بروها در خط مقدم بودند که حمله هایشان با دفاع محکم برانکو پاسخ داده می شد، میرزاپور این بار باید تکلیفش را با روی نیمکت یکسره می کرد. همو که اگر روبه‌روی دوربین می ایستاد ناخودآگاه می گفت و می گفت و می گفت؛ از ناملایمتی روزگار، از اینکه چطوری همه می خواهند او را از آن بالا به پایین بکشند و از اینکه شماره یک حق مسلم او است و چرا این حق را نادیده می گیرند؟

...

اگر خداحافظی پیش بینی نشده سهراب بختیاری‌زاده باعث شماتت قلعه‌نویی و تیم دستیارانش است، تردیدی نیست که کسی بابت قهر میرزاپور از تیم ملی به آنها خرده نگیرد. دلایل کناره‌گیری سهراب و ابراهیم تقریباً نقطه ابهامی باقی نمی گذارد. سهراب که از خوب های تیم ملی در جام جهانی بود و بالاتر از استاندارد فوتبال ایرانی بازی می کند، می گوید: «می ترسم که در تیم ملی مصدوم شوم. من می خواهم دو سه سال دیگر از راه فوتبال دخل و خرج کنم.» اشاره مستقیم او به پرویز کماسی است که حسابی بازیکنان را تحت فشار گذاشته و حتی در یکی از تمرین ها بدون اینکه آمار مصدومان تیم ملی را بگیرد، به همه دستور داده ده پانزده باری دور زمین بدوند. مدعای سهراب قابل قبول و کاملاً بجا است. ایرادی که حتی باعث می شود کسی ثانیه‌ای هم به این فکر نیفتد که به واسطه رفاقت علی دایی با سهراب شاید او هم باشگاهی سابق را ترغیب به رفتن کرده باشد. پس عجیب نیست که سهراب سفت و سخت پای حرفش بایستد و موقعیت فوق العاده‌اش در تیم ملی را زیر پا بگذارد. اما درباره میرزاپور، او می گوید: «نمی توانم با این جو کار کنم.» دو ساعت بعد در حالی که یکی دو خبرگزاری از قول او این حرف ها را تیتر می کنند، نقل قول ها ۱۸۰ درجه برمی گردد. «کمی هم مصدومیت دارم. اما اول با قلعه‌نویی صحبت می کنم، اگر حرف هایم را قبول نکرد، آن وقت از تیم ملی می روم.» تمرین بعدازظهر شروع نشده که قلعه‌نویی در گفت‌وگو با ایسنا خبرها را اینطوری اصلاح می کند: «میرزاپور به خاطر مصدومیت از تیم ملی رفته نه چیز دیگری.»

خلاصه مطلب

۱ -اگر خداحافظی پیش بینی نشده سهراب بختیاری‌زاده باعث شماتت قلعه‌نویی و تیم دستیارانش است، تردیدی نیست که کسی بابت قهر میرزاپور از تیم ملی به آنها خرده نگیرد.

۲ - دو ساعت بعد در حالی که یکی دو خبرگزاری از قول او این حرف ها را تیتر می کنند، نقل قول ها ۱۸۰ درجه برمی گردد. «کمی هم مصدومیت دارم. اما اول با قلعه‌نویی صحبت می کنم، اگر حرف هایم را قبول نکرد، آن وقت از تیم ملی می روم.»

۳ -«مصدومیت» تنها سکانسی که ابراهیم میرزاپور این چندساله خیلی خوب از عهده‌اش برآمده و هر وقت لازم بوده، به مدد آن پیچ های تند را رد کرده است.

...

«مصدومیت» تنها سکانسی که ابراهیم میرزاپور این چندساله خیلی خوب از عهده‌اش برآمده و هر وقت لازم بوده، به مدد آن پیچ های تند را رد کرده است. درست مثل مسابقات پرشماری که بعد از هر نمایش ضعیف او را در هیبت یک گلر مصدوم که تا آخرین کالری انرژی اش درون قفس توری مقاومت کرده، نشان می داد. تاکتیک مصدومیت این بار هم «آمد» داشته و او را از حذف حتمی از تیم ملی نجات داده است. اما این وسط تکلیف او با جوی که عقیده دارد وحشتناک و مخرب است، چه می شود؟

...

میرزاپور هنوز در حال تک و تا است. در حال بالا و پایین کردن احتمالات و شانس ها. که شانس البته برایش واژه غریبی نیست. که چگونه بعد از حواشی به وجود آمده از سوی پرویز برومند با شراکت مهدی هاشمی‌نسب در هنگامه مسابقات مقدماتی جام‌جهانی ۲۰۰۲ ناگهان شماره یک را پوشید و در همه این سال ها تنها و تنها شماره یک باقی ماند. اما دست آخر حاصل کار چیز دندان گیری نبود. او نهایتاً توپ هایی را می گرفت که کمتر کسی می توانست بخورد و درباره گل های خورده هم که حتماً در جریان هستید. فایده پنج سال حضور در بالاترین سطح فوتبال برای میرزاپور حتی چند سانتی‌متری در شروع مجدد بازی توفیر نداشت که در مهم‌ترین تورنمنت زندگی اش جام‌جهانی باز هم پاشنه آشیل لقب نگیرد. بی انصافی نمی کنیم. او در شرایطی احتمالاً چندصباحی باید در انتظار رو کردن شانس دوباره بنشیند که در آلمان ۲۰۰۶ جزء متوسط به بالاهای تیم ملی قرار داشت، اما او نیز بی انصاف نباشد که به آنچه استحقاقش را از فوتبال ایران داشته و شاید هم بیشتر از آن، رسیده. باز هم می گوییم بابت سهراب ناراحتیم که قصه‌اش شاید برای چند ستاره دیگر هم، اگر فکری به روی نیمکت نشود و رفت و آمدها به کمپ همچنان تابعی از مصلحت‌اندیشی و تعارفات باقی بماند، تکرار شود، اما بهتر است میرزاپور بماند و مبارزه کند.

جدول شماره ۶۳۱

فرهنگ امامی

Farhang_Emami@yahoo.com

افقی: ۱- نخست‌وزیر شهید انقلاب اسلامی- عنوان اثری از الکساندر پوشکین. ۲- کنایه از پرحرف و یاوه‌گو- واسطه آشتی. ۳- کتاب معروف ژان راسین- دوست و رفیق- آهستگی و تعلل- زمینه و موضوع. ۴- پانزدهمین حرف الفبای یونانی- توانایی و نیروی فعالیت هم گفته می شود- شوهر روستایی- گواه. ۵- شایسته‌تر و سزاوارتر- شهری در اروگوئه- سوره پایانی. ۶- نقصان- رود مرزی- خوشبختی و کامرانی. ۷- برنج آبکش نشده- فراموشکار- نوعی ماهی. ۸- نیمی از نرده- تعبیری کنایی برای خورشید- گوشت آذری. ۹- بیماری وبا- محل خرید و فروش اوراق بهادار- دور شدن از محل زندگی به جهت گشت و گذار و دیدن دیگر شهرها. ۱۰- بسنده کردن- سلطنت و پادشاهی- آبونه. ۱۱- پرنده بهاری- شهر و بندری در کنیا و در ساحل اقیانوس هند- نژاد مردم ایران. ۱۲- نان خرد شده در آبگوشت- اشاره به نزدیک شبیه و مانند- رود آرام. ۱۳- متمرد و گردنکش- حیوان بارکش- دیوار بلند- بسیار بد و دشوار. ۱۴- حق‌نشناس و ناسپاس- کنایه از این جهان فانی. ۱۵- اراضی قطب جنوب- نزدیکی و پیوستگی.

عمودی: ۱- وسیله کارآمد اتومبیل در روزهای بارانی و برفی- بی نیازی و توانگری. ۲- شنوایی سنج- دارای تحصیلات فوق دیپلم. ۳- ضایع و تباه- قسمت برنده هر چیز- وسیله جوشاندن آب- زبان موسیقی. ۴- عدد منفی- کشتی جنگی- شایسته جانشینی- واحد پول کشور بنگلادش. ۵- پشت سرشهم- اثر معروف میخائیل شولوخف- میهمانی و ضیافت. ۶- درست و مستقیم- پدر ترک‌زبان- آنچه از مرده باقی بماند. ۷- درخت اعدام- موش خرما- بزرگ و عظیم. ۸- جانور شکاری گوشتخوار کوچک- ریشه این گیاه مصرف دارویی و غذایی دارد- نیمی از شوخی. ۹- زادگاه ابن خلدون، جامعه شناس معروف- مجوز کسب- شکاف و رخنه. ۱۰- سنگ انداختن- اسب قهوه‌ای رنگ- فرماندهان. ۱۱- یک حرف و سه حرف- گرفتگی عضلانی- استوار و پابرجا. ۱۲- عنوان امپراتوری قدیم آلمان- یاری و مساعدت- محافظ گردن در زمستان- سفید آذری. ۱۳- درخت زبان گنجشک- میوه بهشتی- پوشش و پرده- سرزمین بلقیس. ۱۴- استنباط مسائل شرعی از قرآن و احادیث- خداوند و یزدان. ۱۵- تخت و مسند- منفجر کردن.

حل جدول ـ ۶۳۰

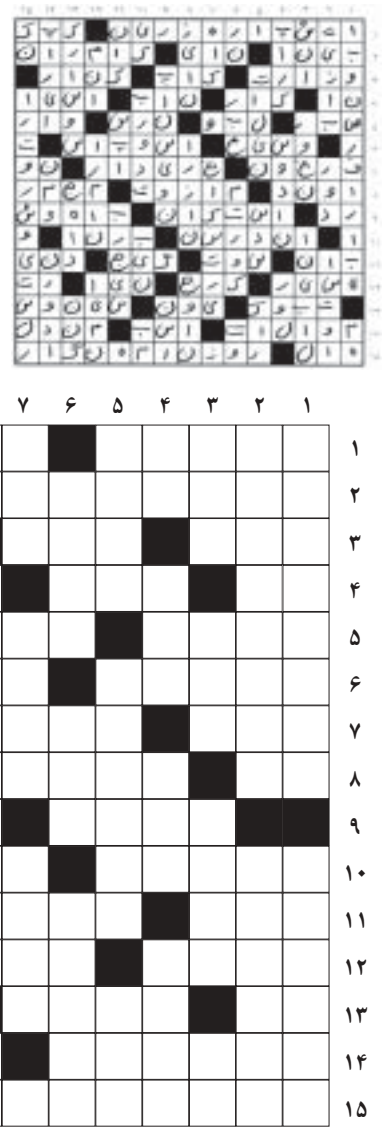

خبرها

مورینیو از تیم ملی ایران می گوید

شرق: ژوزه مورینیو در مصاحبه‌ای کوتاه با مهران ملک‌آرا یکی از کارشناسان جوان فوتبال ایران در آمریکا تاکید کرده است که تیم ملی فوتبال ایران با بازی هایی که در جام‌جهانی انجام داد، ثابت کرد که اصلاً برای چنین تورنمنت بزرگی خود را آماده و مهیا نکرده بود. مورینیو که به علت اصلیت پرتغالی اش به دلیل آنکه مشاور فنی تیم ملی آنگولا محسوب می شد، بازی های گروه D را به دقت تماشا می کرد درباره تیم ملی فوتبال ایران چنین عقیده‌ای دارد: «قبل از شروع جام‌جهانی اطلاعاتی اندک در مورد فوتبال ایران داشتم و در حین جام‌جهانی نیز متوجه شدم که این تیم به هیچ وجه خود را آماده و متمرکز چنین بازی هایی نکرده است.» مورینیو که در عین حال برای یافتن استعدادهای جوان اغلب مسابقات جام‌جهانی را تماشا می کرد تاکید کرد هیچ بازیکنی از ایران طی سه مسابقه جام‌جهانی توجه او را جلب نکرد که سزاوار بازی در چلسی باشد. این مربی در عین حال ضعف بزرگ فوتبال ما را در آلمان عدم آمادگی بدنی کافی و عدم نظم دفاعی تیم دانست.

تمرین با استقلال، قرارداد با پرسپولیس

شرق: حتماً شما هم شنیده‌اید که در چند روز گذشته فراز فاطمی در تمرینات استقلال شرکت کرده تا اگر با استقلال قرارداد نمی بندد لااقل آمادگی بدنی اش حفظ شود. حالا هم خبر رسیده که فراز با مسئولان باشگاه پرسپولیس به توافق رسیده و احتمالاً فردا، پس فردا با این باشگاه قرارداد امضا می کند. یادتان نرود که آری هان چند روز قبل از اینکه مسئولان باشگاه هنوز مهاجمی را به خدمت نگرفته بودند، حسابی شاکی بود، اما اینکه فراز فاطمی آن مهاجم دلخواه هان هست یا نه را باید در تمرینات آینده پرسپولیس ببینیم.

جباری، فقط تهران

شرق: چهارشنبه خبری آمده بود مبنی بر اینکه مجتبی جباری با مسئولان باشگاه ذوب‌آهن به توافق رسیده، اما روز بعد ذوب‌آهنی ها این خبر را تکذیب کردند. حالا هم نوبت خود جباری است که این خبر را رد کند: «من اصلاً با آنها حرف نزدم، چرا که دوست دارم فصل آینده در تهران بازی کنم.» این یعنی هم استقلالی ها می توانند امیدوار باشند و هم همه تیم‌های تهرانی که برای یک بازیکن درجه یک خوب پول می دهند.

کریمی ۴۵ دقیقه

فوتبال ایران: بایرن مونیخ که برای برپایی اردویی تدارکاتی در اتریش به سر می برد، پنجشنبه در دیداری تدارکاتی برد پرگلی را به دست آورد و علی کریمی هم یک نیمه برای بایرن بازی کرد. شاگردان فیلیکس ماگات تیم روتافیل را با حساب ۱۴ بر یک شکست دادند. علی کریمی در این بازی از دقیقه ۴۶ جایگزین حسن سالی حمیدزیچ شد و یک نیمه برای تیمش بازی کرد. کریمی با تشخیص ماگات در خط دفاعی بازی کرد ولی موفق به گلزنی نشد.

مهدوی‌کیا به بازی اتحادیه می رسد

ایسنا: هامبورگ در آخرین دیدار تدارکاتی خود پیش از شروع جام اتحادیه آلمان برابر تیمی از مونسترپروس با نتیجه دو بر یک به پیروزی رسید. هامبورگ که بدون بازیکنان جام‌جهانی خود به مناسبت جشن صدسالگی مونستر، به این شهر سفر کرده بود با گل های آلکساندر لاس (۱۴) و بریشا (۶۹) از سد حریف خود گذشت. توماس دال سرمربی هامبورگ در پایان بازی گفت: «این مهم بود که ما تحرک داشته باشیم. پس از تمرین های دشوار متوجه شدیم که هنوز هم خستگی در عضلات بازیکنان ما باقی مانده است.» مهدی مهدوی‌کیا، نایجل ده یونگ، رافائل فان‌درفارت و برخی دیگر از بازیکنان هامبورگ، تیم‌شان را در این سفر همراهی نکردند. آنها نزد ماروکس گونتر به مداوا و انجام کارهای فیزیوتراپی پرداختند. دال درباره غایبان خود لبخندزنان گفت: «آنها برابر هرتابرلین در جام اتحادیه آلمان حاضر خواهند بود.» دیدار هرتابرلین و هامبورگ امروز برگزار می شود.

ادامه دقیقه صفر

ادامه از صفحه ۲۳

با این وصف، مدیرعامل باشگاه استقلال تصمیم بدی نگرفته، چون هنوز تکلیف قلعه‌نویی هم کاملاً روشن نشده و شاید با انتخاب رئیس فدراسیون فوتبال، او از سرمربیگری تیم ملی کنار برود. آنگاه لااقل استقلال سرمربی ایده‌آلش را به دست می آورد. اما با توجه به شایعاتی که در هفته گذشته مبنی بر اختلافات هیات مدیره و مدیرعامل شنیده می شد و اینکه هیات مدیره به باشگاه پول نمی دهد چون مدیرعامل را قبول ندارد، ماندن حسین قریب کمکی به استقلال نمی کند. واقعاً اگر قرار است هیات مدیره با او سر جنگ داشته باشد، این وسط استقلال است که ضرر می کند و در این صورت رفتن قریب از باشگاه لااقل این ویژگی را دربردارد که تکلیف هیات مدیره با باشگاه روشن می شود، اما در صورتی که این شایعه صحت نداشته باشد، سازمان ورزش باید بیاید و بررسی کند که چرا وعده های وزارت رفاه تاکنون عملی نشده، چرا هنوز استقلال با مشکلات مالی روبه‌رو است و چرا ورزشگاه تختی دراختیار استقلال قرار نگرفته. باید بیاید و بررسی کند که تک تک اعضای هیات مدیره چه گامی در جهت پیشرفت باشگاه برداشته‌اند و آیا حضور آدم هایی مثل عبدالرضا مصری یا عشرت شایق در هیات مدیره سودی برای باشگاه داشته یا نه؟ باید از هیات مدیره بپرسد چگونه قهرمان لیگ گذشته چنین سرنوشتی را یافته که حتی نمی تواند یک سرمربی خوب برگزیند و به ایران بیاورد و بپرسد که چه فرقی بین استقلال و پرسپولیس وجود دارد که آنها آری هان را می آورند و اینها صمد مرفاوی را؟ اگر این بررسی انجام شود، آنگاه بهتر می توانیم درباره عملکرد قریب نظر بدهیم و انتخاب هایش را نقد کنیم وگرنه در چنین شرایطی همین که او دارد باشگاه را اداره می کند، کافی است.

لژیونر

تلاش برای پوشیدن شماره ۶

نکونام: من بهترین خرید اوساسونا هستم

شرق: جواد نکونام بامداد چهارشنبه تهران را به مقصد فرانکفورت ترک کرد تا پس از توقف چند ساعته در آلمان به اتفاق محمودرضا فاضلی مدیر برنامه های خود به اسپانیا برود. او به محض ورود به شهر پمپولنا اسپانیا (همان شهری که تیم اوساسونا در این شهر است) و به استادیوم اوساسونا به نام ناوارا رفت. جلوی در استادیوم خبرنگاران بسیاری در انتظار او هستند اما جواد خیلی سرد با آنها برخورد می کند. حضور او آن قدر مهم است که خبر اول سایت اوساسونا شود. کوکو زیگاندا خبرنگار اختصاصی سایت اوساسونا در گزارش خود از حضور نکونام می نویسد:

«او ساعت ۱۵ وارد شهر پمپولنا شد و به استادیوم ناوارا رفت. اوساسونا باید چند روز دیگر با تیم رن فرانسه بازی کند اما مربی تیم مشخص می کند که نکونام در این بازی در ترکیب هم قرار می گیرد یا نه. نکونام باید در اولین فرصت تست بدهد تا میزان آمادگی اش مشخص شود. سپس همراه تیم به فرانکفورت می رود.

در عین حال مقابل در ورودی استادیوم دوروبرش شلوغ بود و خبرنگاران او را محاصره کرده بودند. برای مصاحبه اختصاصی با او سه روز دیگر به ما وقت داد که شخصاً از او کمی گله‌مند شدم!»

اما نکونام به هر حال چند سئوال را پاسخ داد.

■ پس از جام‌جهانی چه کار کردی؟

در تعطیلات استراحت کردم. در ایران بودم و با تیم ملی کشورم هم تمرین کردم. قبل از تمرین با تیم ملی هم اختصاصی تمرین می کردم. الان آماده هستم و هیچ فرقی با نکونامی که در جام‌جهانی دیدید ندارم.

■ فاصله اینجا با کشورت زیاد است. لالیگا را می شناسی؟

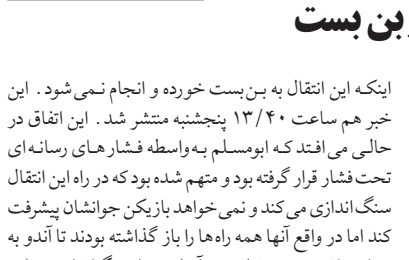

نه شناخت زیادی ندارم. می دانم فاصله من با کشورم زیاد است اما من به اینجا آمدم تا از فوتبال لذت ببرم و خیلی زود با اینجا سازگار می شوم.

■ قراردادت را رسمی کردی؟

حقیقت اش مدیر برنامه هایم گفته است حرفی نزنم اما هنوز قرارداد نهایی را امضا نکردم و امروز مراحل نهایی را انجام می دهم.

■ چه قولی به هواداران می دهی؟

من قولی نمی دهم. بلکه در عمل با هواداران صحبت می کنم. به آنها ثابت می کنم مهم‌ترین و بهترین خرید اوساسونا من هستم.

جواد از دیروز تمریناتش را با اوساسونا آغاز کرد. او برای گرفتن شماره شش اوساسونا سخت در تلاش است اما هنوز موفق به گرفتن این پیراهن نشده. جواد در اولین بازی با پیراهن اوساسونا مقابل رن قرار می گیرد و فصل سخت برایش از همین بازی آغاز خواهد شد. «وبو» بازیکن کامرونی اوساسونا نیز همراه جواد وارد اردوی اوساسونا شده است. در حالی که اکثر بازیکنان اوساسونا از گرفتن بیماری مالاریا توسط «وبو» وحشت دارند اما نکونام خیلی راحت در اتوبوس کنار او می نشیند و در کنارش احساس راحتی می کند.

ستاره ایرانی

آندو در بن بست

محسن ابراهیمی: در حالی که در تهران خبر می دهند مراحل نهایی کار آندرانیک تیموریان برای انتقال به بولتون طی شده و او خیلی زود به این تیم می رود تا در لیگ برتر بازی کند اما در انگلیس خبرهایی که شنیده می شود کاملاً متفاوت است. هر چند همه امیدواریم که او هم بتواند در لیگ برتر بازی کند اما چهارشنبه ساعت ۱۳/۱۸ در لابه‌لای خبرهای اسکای اسپورت این خبر هم به‌چشم می خورد که به‌رغم تمایل سام الاردایس سرمربی بولتون بعد از تست های فنی و پزشکی آندو نمی تواند به انگلیس بیاید و این انتقال با تردیدهای دیگری مواجه شده است و حتی اگر آنها بخواهند برای فصل بعد هم او را زیرنظر داشته باشند باید ببینند که تا سال آینده او چه توانایی هایی خواهد داشت. اما یک روز بعد و در سایت بولتون و حتی طرفداران بولتون این خبر دقیق‌تر به چشم می خورد و دفترخانه رسمی اداره کار درخواست بولتون را رد کرده است و به آندرانیک تیموریان مجوز کار نمی دهد. دلیل آن هم کاملاً واضح است چرا که بازیکنان غیراروپایی باید طی دو سال اخیر ۷۵ درصد بازی های ملی رسمی را انجام داده باشند و آندو فقط ده بازی در کارنامه‌اش دارد. یعنی اینکه این انتقال به بن‌بست خورده و انجام نمی شود. این خبر هم ساعت ۱۳/۴۰ پنجشنبه منتشر شد. این اتفاق در حالی می افتد که ابومسلم به‌واسطه فشارهای رسانه‌ای تحت فشار قرار گرفته بود و متهم شده بود که در راه این انتقال سنگ اندازی می کند و نمی خواهد بازیکن جوانشان پیشرفت کند اما در واقع آنها همه راه‌ها را باز گذاشته بودند تا آندو به خواسته‌اش برسد. شاید هم آنها بیش از دیگران از جزئیات کار خبر داشتند و برای نجات دادن بازیکن جوانشان همه توجهات را به خودشان معطوف کردند اما وقتی دیگران فشار می آورند و ابومسلم را متهم می کنند همه درها را باز کردند و حتی دعوت کرده‌اند که مدیر بولتون هم به مشهد بیاید و مهمان آنها باشد. تیموریان امروز مشکلات دیگری را متوجه شده است و مهم‌ترین آنها هم این است که اطلاعات را دقیق و کامل نمی گیرد. حتی او خود را آماده کرده بود تا جمعه شب به انگلیس برود. شاید هنوز راه‌های فرعی وجود داشته باشد اما سایت‌های خبری انگلیس هیچ‌وقت اطلاعات غلط نمی دهند. همانطور که آنها نوشتند آندو در تست‌های فنی هم شرکت کرده بود!